

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صفحات ۷۰-۳۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۸/۰۶

## محاسبه و بررسی شاخص توسعه اجتماعی در کشورهای اسلامی منتخب با تأکید بر ایران

رضا رنج‌پور<sup>۱</sup>

سیدکمال صادقی<sup>۲</sup>

محمد علی متفکر آزاد<sup>۳</sup>

فاطمه عبدالله‌زاده نوبریان<sup>۴</sup>

### چکیده

امروزه تقریباً این اتفاق نظر بین اندیشمندان به‌وجود آمده است که برای دستیابی به توسعه پایدار، توجه به همه ابعاد توسعه از جمله توسعه اجتماعی در کنار توجه به توسعه اقتصادی ضروری است. بدین ترتیب توجه به توسعه اجتماعی در درازمدت می‌تواند تأثیر زیادی بر توسعه همه‌جانبه کشورها داشته باشد. لذا هدف این مطالعه استخراج شاخص توسعه اجتماعی برای کشورهای اسلامی منتخب است. برای این منظور، جهت محاسبه شاخص توسعه اجتماعی از شاخص‌های زیر استفاده می‌شود: واکسیناسیون علیه بیماری‌های دیفتری، سیاه‌سرفه و کزاز- امید به زندگی در بدو تولد- متوسط سال‌های تحصیل - نرخ مرگ و میر- میزان ثبت‌نام در مدارس - نسبت دانش‌آموز به معلم و نرخ مشارکت نیروی کار زن. طبق نتایج حاصله متوسط توسعه اجتماعی ایران طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۶۰، ۰/۳۹ بوده است که نسبت به بسیاری از کشورها مانند مالزی، پاکستان، اندونزی و سوریه عملکرد ضعیف‌تری دارد. بنابراین علی‌رغم روند فزاینده توسعه اجتماعی در ایران و با توجه به این که توسعه اجتماعی جزو لاینفک ارتقا و پیشرفت جامعه می‌باشد، لذا این امر به آگاه‌سازی همگانی، بسیج عمومی و عزم ملی نیاز دارد.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، شاخص‌سازی توسعه، کشورهای اسلامی (طبقه‌بندی *JEL: D63, I0, O15*)

Email:ranjpour@yahoo.com

Email:sadeghiseyedkamal@gmail.com

Email:mmotafakker@yahoo.com

Email:nnobarian@yahoo.com

۱- استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

۲- دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

۳- استاد گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

۴- کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه تبریز

## مقدمه

صاحب‌نظران کلاسیک علوم اجتماعی چنین تصور می‌کردند که پیشرفت جامعه انسانی در گرو رشد و توسعه اقتصادی است؛ اما با گذشت زمان، تجربه جوامع نشان داد که در کنار رشد و توسعه اقتصادی، جامعه نیازمند برخی ضروریات دیگر، از جمله توزیع عادلانه درآمدها، شکوفایی استعدادهای گوناگون و شخصیت انسانی، سلامت جسمانی و روانی، افزایش امید به زندگی، برقراری برابری‌های اجتماعی، تحقق آزادی، برقراری ارتباطات انسانی - اجتماعی به دور از انواع سلطه و به طور کلی، تحقق یک جامعه مدنی و انسانی است (Kimio Uno، بی‌تا). از این رو، در ادبیات مربوط به توسعه، علاوه بر توسعه اقتصادی از توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نیز توسعه انسانی سخن به میان می‌آید.

در این بین توزیع متناسب منابع بین بخش‌های مختلف جامعه و توجه به "توسعه اجتماعی" به معنی فراهم آوردن امکانات اولیه آموزشی و بهداشتی جوامع، در دراز مدت می‌تواند تأثیر زیادی بر توسعه کشورها داشته باشد. بیشتر کشورهای در حال توسعه که به مراحل بالای توسعه اقتصادی رسیده‌اند نیز در سیر مراحل توسعه‌ای خود به توسعه اجتماعی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. به این ترتیب توسعه تنها مربوط به مقوله رشد و درآمد نمی‌باشد اگرچه رشد درآمدی بالا از ضروریات کاهش فقر به شمار می‌آید اما ممکن است علی‌رغم رشد اقتصادی نسبتاً بالا، سطح بالایی از فقر هم چنان باقی بماند (Bourguignon، 2003).

سازمان ملل متحد نیز که در ابتدا بیشتر بر خطوط اقتصادی توسعه تأکید داشت، در دهه ۱۹۷۰ کانون توجه خود را به توسعه اجتماعی معطوف داشت و توسعه اجتماعی را به عنوان ظرفیت بیشتر نظام و ساختار اجتماعی برای کاربرد منابع به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در سطح زندگی و توزیع بهتر درآمد، سلامتی و فرصت‌ها تفسیر کرد. در مدل توسعه اجتماعی

علاوه بر نقش نهادهای دولتی در پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی، توسعه ظرفیت‌های افراد و جوامع نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. بنابراین یکپارچگی اهداف اقتصادی و اجتماعی، تغییرات و اصلاحات ساختاری و نهادی و افزایش ظرفیت‌های فردی و اجتماعی و تأمین مشارکت شهروندان از عناصر اصلی این مفهوم می‌گردند (قانع‌راد، ۱۳۸۴). به‌طوری‌که توسعه اجتماعی در پی ایجاد توازن و تعادل بین اهداف مختلف اقتصادی و اجتماعی است و از مفهوم توسعه چندگانه حمایت می‌کند. رویکرد توسعه اجتماعی "شیوه تفکر اقتصادی" را که در آن محرک‌های پولی تنها انگیزه اساسی رفتار بشر تلقی می‌شود، مورد انتقاد قرار می‌دهد. در این رویکرد، انگیزش‌ها و محرک‌های درونی که به نوبه خود به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط می‌باشند، اهمیت بیشتری می‌یابند. فرآیندهای توسعه در مفهوم اقتصادی آن، افراد را به موضوعات توسعه تبدیل می‌کند. در حالیکه انسان‌ها باید عاملین توسعه باشند. بر اساس رویکرد توسعه اجتماعی، توسعه را نمی‌توان برای انسان‌ها به ارمغان آورد و یا بر آن‌ها تحمیل کرد. انسان‌ها باید به عنوان آفرینش‌گران فعال در فرآیند تکوین و تولید توسعه مشارکت داشته باشند (قانع‌راد، ۱۳۸۴).

توسعه معمولاً محدود به پیشرفت اقتصادی می‌شود اما در واقع این اصطلاح در مورد پیشرفت سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی نیز به کار می‌رود. راهبردها و سیاست‌ها با هدف رشد بیشتر، ممکن است درآمد بالاتری برای یک کشور بدون این که بهبودی در استانداردهای زندگی مردم داشته باشد، به ارمغان بیاورد. این همان مسئله‌ای است که در مورد کشورهای تولیدکننده نفت در خاورمیانه رخ داده است که در آن افزایش قیمت نفت، درآمد ملی این کشورها را معمولاً بدون این که نفعی برای مردم فقیر ساکن در این کشورها و در کل توسعه اجتماعی داشته باشد، افزایش داده است. در مقابل برنامه‌ها و سیاست‌های مردم محور، می‌توانند بهبود در بهداشت، آموزش، استانداردهای زندگی و کیفیت طول عمر

را بدون تاکید ویژه بر رشد پولی به ارمغان آورند. در واقع با توجه به درجه بالایی از نابرابری درآمدی در کشورهای وابسته به نفت مخصوصاً کشورهای اسلامی، شاخص‌های مربوط به توسعه اجتماعی مانند آموزش و بهداشت و برابری‌های جنسیتی، شاخص‌های بهتری نسبت به GDP سرانه به شمار می‌روند. لذا هدف این مطالعه استخراج شاخص توسعه اجتماعی برای کشورهای اسلامی منتخب می‌باشد. با این مقدمه، مطالعه حاضر تلاش دارد تا به صورت کمی شاخصی برای توسعه اجتماعی کشورهای اسلامی طراحی و محاسبه نماید تا بر اساس آن بتوان میزان توسعه‌یافتگی این کشورها را با همدیگر مقایسه نمود.<sup>۱</sup> مطالعه حاضر در ۹ بخش تنظیم شده است. به‌طوری که پس از مقدمه، به مفاهیم و شاخص‌های توسعه اجتماعی پرداخته می‌شود. در بخش سوم، شاخص‌سازی و طبقه‌بندی شاخص‌های اجتماعی بیان می‌گردد. سپس مبانی نظری موجود در زمینه توسعه مطرح شده و به مطالعات خارجی و داخلی در زمینه شاخص‌سازی‌های توسعه‌ای اشاره خواهیم نمود. در بخش ششم به معرفی و آماده‌سازی داده‌ها پرداخته خواهد شد. در این بخش نحوه استخراج شاخص توسعه اجتماعی توضیح داده می‌شود. در بخش هفتم، به تحلیل توصیفی روند توسعه اجتماعی در ایران و چند کشور منتخب اسلامی پرداخته و در نهایت، جمع‌بندی مطالب و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شود.

### مفاهیم و شاخص‌های توسعه اجتماعی

در مورد تعریف توسعه اجتماعی<sup>۲</sup> همانند واژه توسعه اتفاق نظر وجود ندارد. طبق تعریف دیویس<sup>۳</sup> توسعه اجتماعی دارای دو معنی می‌باشد: بهبود در رفاه و کیفیت زندگی افراد و یا تغییر در - هنجارها و نهادهای - جامعه که باعث توسعه عادلانه و فراگیر برای همه اعضای

۱- شاخص توسعه اجتماعی توسط هیچ نهاد و سازمانی تهیه و تنظیم نشده است.

2- Social Development

3- Davis

یک جامعه شود. بر اساس تعریف بانک جهانی، توسعه، به‌ویژه توسعه اجتماعی، به رفاه مردم، آسایش و بهبودی آنان، شکوفا شدن قابلیت‌یشان و تکوین یک جامعه مدنی از سوی آن‌ها مربوط است (Borgatta and Montgomery, 2000).

در شاخه‌ای از علوم اقتصادی به نام اقتصاد توسعه، برای مقایسه سطح توسعه‌یافتگی کشورها شاخص‌هایی را در نظر می‌گیرند. بعضی از این شاخص‌ها صرفاً اقتصادی هستند ولی بعضی دیگر از شاخص‌ها، بعد اجتماعی توسعه را نیز در بر می‌گیرند.

تجربیات گران‌بهای در زمینه سنجش توسعه اقتصادی در دسترس است. در مقابل، فرموله کردن ملاک‌های توسعه اجتماعی پیچیدگی خاصی دارد. نرخ‌های رشد، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه از شاخص‌های فریبنده توسعه اقتصادی است که به پدیده‌هایی مانند نابرابری‌های طبقاتی، تراکم سرمایه در دست بخش محدودی از جامعه یا سایر تبعیض‌های اقتصادی-اجتماعی بی‌توجه می‌باشند. به همین دلیل دوب<sup>۱</sup> معتقد است که به جای پرداختن به GNP<sup>۲</sup> باید به فکر رفاه ناخالص ملی و توسعه اجتماعی باشیم (به نقل از کلانتری: ۲۰۹).

اما مفهوم توسعه اجتماعی به‌طور دقیق تعریف نشده است. ابعاد گوناگون این مفهوم مورد بحث و محل اختلافات است و بعضی از شاخص‌های آن در حال شکل‌گیری و فرموله شدن است. توسعه اجتماعی بیان‌گر پدیده بهزیستی کلیه افراد جامعه را نشان می‌دهد. استیویس<sup>۳</sup> از توسعه اجتماعی به‌عنوان فرآیند تحقق نیازهای اساسی مردم، دستیابی به توزیع عادلانه ثروت به‌دست آمده در نتیجه رشد اقتصادی، ایجاد سرمایه انسانی و اجتماعی، گسترش دامنه فرصت‌های افراد و جوامع، ترویج عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر و از

1- Dube

2- Gross National Product

3- Esteves

بین بردن فقر یاد می‌کند. در واقع هدف اصلی توسعه اجتماعی، ارتقای سطح زندگی افراد و کیفیت زندگی مردم است. به عبارت دیگر هدف اولیه هر برنامه توسعه بایستی بی‌درنگ برآورده کردن احتیاجات اولیه و نیازهای اساسی مردم جامعه باشد تا بتوانند با تداوم بخشیدن به زندگی بهتر و پیشرفته‌تر، گام‌های مثبتی در توسعه همه جانبه بردارند. براین اساس عمدتاً شاخص‌های ارزیابی توسعه اجتماعی عبارتند از: بهداشت و درمان، مسکن، آموزش، اشتغال، رشد جمعیت، توزیع درآمد و تأمین اجتماعی (موسایی، ۱۳۸۸).

### شاخص‌سازی و طبقه‌بندی‌های صورت گرفته برای شاخص‌های اجتماعی

شاخص‌های اجتماعی توسعه را می‌توان در قالب‌های مختلفی دسته‌بندی نمود. اولین نوع این دسته‌بندی‌ها، به خصوصیت اندازه‌گیر بودن یا نبودن شاخص‌ها تأکید دارد:

- پدیده‌هایی که به‌طور مستقیم قابل اندازه‌گیری هستند. به‌عنوان مثال میزان مرگ و میر نوزادان، سطح پیشرفت تحصیلی، نرخ طلاق، تعداد مرگ و میر از این نوع‌اند.

- پدیده‌هایی که به‌طور مستقیم و یا به راحتی قابل اندازه‌گیری نیستند. به‌طور مثال مرگ و میر نوزادان به‌عنوان یک پروکسی و شاخص برای بیان کیفیت سیستم‌های بهداشتی استفاده می‌گردد. همچنین از نرخ طلاق به‌عنوان شاخصی برای ثبات خانواده و از تعداد مرگ‌ومیر و صدمات ناشی از اعتراض‌های مدنی به‌عنوان شاخصی برای پایداری اجتماعی و یا انسجام اجتماعی بهره گرفته می‌شود. بنابراین شاخص‌های توسعه اجتماعی می‌تواند به‌عنوان معیاری قدرتمند برای سنجش تغییرات توسعه در طول زمان ایفای نقش نماید.

در قالب دیگر، شاخص‌های اجتماعی در سه دسته قرار می‌گیرند:

"شاخص‌های پیشرو<sup>۱</sup> (آینده‌نگر)" که تمایل به نشان دادن فعالیت‌های اقتصادی یا اجتماعی آینده دارند. "شاخص‌های هم‌زمان"<sup>۲</sup> که تمایل به پیگیری چرخه اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با دوره قبل دارد. به‌عنوان مثال افزایش نرخ جرم و جنایت در طول دوره‌ی بیکاری و فقر رو به رشد خواهد بود. "شاخص‌های گذشته‌نگر (مؤخر)"<sup>۳</sup> که از تغییرات گذشته تبعیت می‌نمایند. به‌عنوان مثال کاهش در هزینه‌های اجتماعی در دوره توسعه اقتصادی (Estes, 2005).

لشکری (۱۳۸۷) عمده‌ترین شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی را بدین‌گونه عنوان می‌نماید: سطح زندگی، سطح بهره‌وری، نرخ رشد جمعیت، نرخ بار تکفل، امید به زندگی در بدو تولد، نرخ باسوادگی، نرخ مرگ و میر کودکان، توزیع درآمد، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، نرخ پوشش انواع بیمه، منافع اجتماعی تولید کالا یا خدمت و نوآوری و خلاقیت. ایشان عمده‌ترین شاخص‌های کیفی توسعه اجتماعی را این‌گونه معرفی می‌نمایند: آزادی انتخاب یک جامعه، آرمان‌های نوین‌سازی، درخواست سیاسی، عزت نفس افراد جامعه و ثبات و امنیت.

از دیگر شاخص‌های در نظر گرفته شده می‌توان به این موارد اشاره داشت: درآمدهای بالا، مسکن مناسب، بهبود وضعیت بهداشتی، فراهم بودن آموزش و پرورش برای همه، بالا بودن بازدهی نیروی کار، سطح بالای اشتغال و نبود انواع بیکاری، استقلال و تأثیرگذاری در روابط بین‌الملل، وجود کالاهای ضروری برای همه، توزیع درآمد به‌صورت عادلانه، شاخص توسعه انسانی و معیار تقویت جنسیتی.

---

1- leading indicator  
2- coincident indicator  
3- lagging indicators

اما از شاخص‌های منفی توسعه اجتماعی می‌توان، تورم، سوء تغذیه، هزینه‌های اجتماعی تولید کالاها و خدمات، وجود انواع دوگانگی، فقر، نرخ معلولیت ذهنی و جسمی و میزان آلودگی زیست‌محیطی را نام برد.

### مبانی نظری

باثر<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) چارچوبی جامع برای یکپارچه‌سازی تجزیه و تحلیل‌هایی که تا آن زمان به صورت مستقل از هم صورت می‌گرفت، به‌عنوان مثال تجزیه و تحلیل تغییرات بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، حمل و نقل، مسکن، نیروی کار، توسعه شهری و سایر فعالیت‌های عمومی - ارائه داد. پس از آن دونالد مک‌گراناهان<sup>۲</sup> (۱۹۷۲)، از پیشگامان دیگر این جنبش، سیستمی آماری ایجاد نمود تا از طریق آن مراحل آن کشورهایی فقیر جهت نیل به سطح بالای توسعه اقتصادی و اجتماعی طی می‌نمایند، مشخص گردد. کمبل، کانورس و راجرز<sup>۳</sup> (۱۹۷۶) به‌طور کیفی به ارزیابی کیفیت زندگی از جمله رضایت ذهنی از زندگی پرداخت که تا آن زمان فقط با معیارهای عینی به ارزیابی تغییرات در پیشرفت و توسعه پرداخته می‌شد. از آن زمان به بعد تلاش بر روی ابعاد بین‌المللی توسعه توسط محققان ادامه یافت. به‌طوری‌که امروزه سهم دانشمندان اجتماعی، برای اندازه‌گیری پیشرفت‌های اجتماعی ملی و بین‌المللی کاملاً قابل توجه است (Estes, 2005).

در واقع تلاش‌های قابل توجهی برای اندازه‌گیری پیشرفت اجتماعی در سطح بین‌الملل صورت پذیرفته است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)<sup>۴</sup>، موسسه تحقیقات توسعه اجتماعی سازمان ملل (UNRISD)<sup>۱</sup> و دیگر سازمان‌هایی

1- Bauer

2- Mc Granahan

3- Campbell, Converse & Rodgers

4- United Nations Development Program



که برای کمک بین‌المللی به توسعه کشورها سرمایه‌گذاری می‌نمایند، اشاره داشت (مانند بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)<sup>۲</sup>، آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID)<sup>۳</sup>). در این راستا سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و بانک جهانی، شاخص‌های توسعه‌ای مانند شاخص توسعه انسانی (HDI)<sup>۴</sup>، شاخص توانمندی جنسیتی (GEM)<sup>۵</sup>، فضای کسب و کار (DB)<sup>۶</sup>، شاخص عملکرد دولت (WGI)<sup>۷</sup> را تهیه نموده‌اند. شاخص توسعه انسانی، به‌عنوان یک طرح اولیه، بر قابلیت‌های فردی از قبیل سلامت یا دانش تأکید می‌نماید. با این حال می‌توان اظهار نمود که پیش‌نیازهای بنیادی برای امنیت و بقای انسان (عدم وجود فقر، سوء تغذیه و سرپناه) و نیز حقوق و آزادی‌های سیاسی، مشارکت در جامعه و انسجام اجتماعی لحاظ نشده است (Dasgupta and Weals, 1992). در این راستا به‌طور مشابه، UNDP شاخص توسعه انسانی را ترکیبی از سه شاخص امید به زندگی، آموزش و GDP معرفی می‌کند. به عبارت دیگر در شاخص توسعه انسانی میانگین ساده (غیروزی) سه شاخص سلامتی و طول عمر، دانش و ارتباطات، دسترسی به محصول لحاظ می‌شود. سلامتی و طول عمر با استفاده از شاخص امید به زندگی در بدو تولد، دانش و ارتباط با استفاده از نرخ باسوادی (با وزن  $\frac{2}{3}$ ) و میزان تحصیلات (با وزن  $\frac{1}{3}$ )، و دسترسی به شاخص کالا با GDP سرانه اندازه‌گیری می‌شود که انتقادات بسیاری بر شاخص HDI از جمله به‌کارگیری اوزان مشابه برای هر یک از سه بعد ذکر شده مطرح شده است. به منظور درک توانمندی‌های انسان در فرآیند توسعه، شاخص توسعه

1- United Nations Research Institute for Social Development  
 2- Organization for Economic Cooperation and Development  
 3- United States Agency for International Development  
 4- Human Development Index  
 5- Gender Empowerment Measure  
 6- Doing Business  
 7- World Governance Indicators

اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد که اجزای سازنده آن عناصری مانند HDI، شاخص فقر، شاخص نابرابری و شاخص محیط زیست به حساب می‌آید. با توجه به این که UNDP تنها سه جنبه طول عمر، آموزش و GDP را مدنظر قرار داده است، می‌توان اذعان نمود دیگر جنبه‌های شرایط انسانی مورد غفلت واقع شده است (Cahill and Matsui, 2004; Sanchez, 2001). به‌طور خلاصه برخی از نقاط ضعف در فرموله کردن فعلی HDI در ذیل اشاره شده است:

- استفاده از GDP سرانه به‌عنوان معیار سطح مناسب زندگی (Decent Standard of Living) به‌عنوان هدف توسعه‌ای، به تنهایی مفید و مناسب نمی‌باشد. این نقد برای استفاده از شاخص GDP به‌عنوان بخشی از HDI قابل طرح است.

- این شاخص دیگر ابعاد ارزشمند انسانی را نادیده می‌گیرد (مانند رفع نیازهای تغذیه‌ای، دسترسی به تجهیزات پزشکی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی).

- در شاخص‌سازی HDI با استفاده از روش Guidepost Method، عدد ۱۰۰ به‌عنوان بالاترین نمره و امتیاز صفر به‌عنوان پایین‌ترین نمره به کشورهای جهان تعلق خواهد گرفت. ممکن است که HDI کشوری در سال خاصی، پایین‌تر از سال قبل گردد؛ در حالی که وضعیت واقعی برخی از ابعاد مطرح شده بهبود یافته است. دلیل این اتفاق آن است که ممکن است بالاترین کشور، رشد درآمندی و یا رشد GDP بالا و یا رشد جمعیتی پایینی را تجربه می‌نماید. در این حالت، رتبه‌بندی کشور پایین‌تر از رتبه واقعی خواهد بود.

- این شاخص به جنبه‌های تعامل بین افراد و گروه‌های جامعه توجه نمی‌نماید. واضح است که در این رابطه، نیاز به گسترش HDI، پوشش و توجه به ابعاد گسترده‌تری وجود دارد (Matsui, 2004).

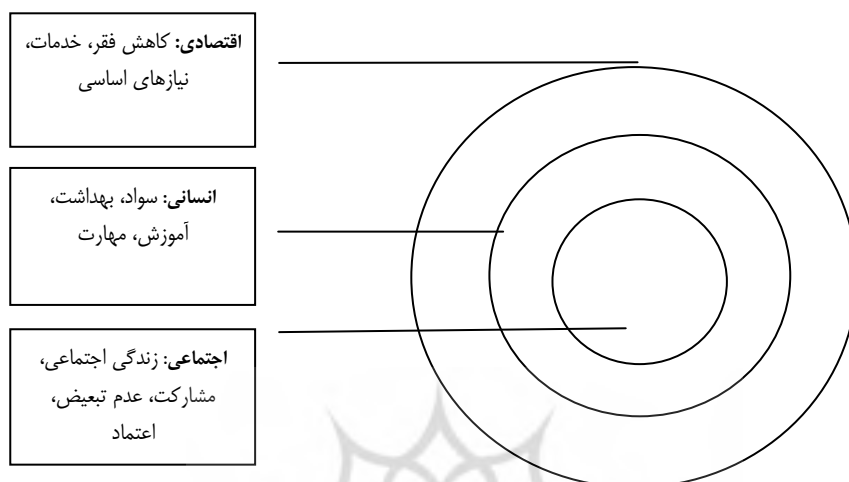
به همین دلیل مؤلفان گزارش توسعه انسانی، با اضافه نمودن فقر انسانی (HPI)<sup>1</sup>، توانمندسازی جنسیتی (GEM و GDI)<sup>2</sup> و حقوق و آزادی‌های سیاسی، شروع به پر کردن ابعاد گم‌شده مرتبط با توسعه انسانی نمودند. مفهوم توسعه اجتماعی به معرفی ابعاد بیشتر، از جمله مشارکت مدنی، انسجام درون گروهی، امنیت فردی و اعتماد، شمول اقلیت‌های قومی و اجتماعی، برابری جنسیتی، و استحکام خانواده و روابط اجتماعی است.

برای درک چگونگی ارتباط توسعه اجتماعی در گستره فرآیند توسعه، شکل ۱ ترسیم شده است. استفاده از دایره‌های متحدالمرکز به معنای نشان دادن اولویت‌بندی و نیازهای سلسله مراتبی نیست؛ بلکه پیش‌شرط دستاوردهای پایدار در هر حوزه است. به‌عنوان مثال، کاهش فقر، نیازمند رشد و ارتقای دانش، مهارت و سرمایه انسانی افراد است؛ ولی ساختار سرمایه انسانی به‌نوبه خود نیاز به نهادهایی شامل زنان و اقلیت‌ها می‌باشد که باعث اعتماد و همکاری و ارائه پاسخگویی در حکومت است. دایره اول مربوط به انباشت منابع مادی کافی برای کاهش مشکلات فیزیکی، تأمین نیازهای اساسی و کاهش فقر است. توسعه اقتصادی - افزایش پایدار در متوسط درآمد- در این فرآیند بسیار مهم است. تلاش‌ها برای اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه از جمله درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI)<sup>3</sup>، تولید ناخالص ملی، توزیع درآمد، فقر و نیازهای اساسی به‌طور گسترده‌ای، مورد هدف این سطح واقع می‌شوند. دایره دوم مکانیزمی است که از طریق آن افراد کنترل زندگی خود را از طریق انباشت دارایی‌های غیرمادی از جمله سلامت جسمی، آموزش و پرورش و مهارت به‌دست می‌آورند. اغلب اصطلاح سرمایه انسانی تصرف منابعی است که افراد برای یک زندگی طولانی‌تر و سازنده‌تر مورد استفاده قرار می‌دهند؛ زمانی که افراد بهره‌مند از دانش مطلع و

1- Human Poverty Index  
2- Gender-related Development Index  
3- Gross National Income

نیز توانمند از لحاظ جسمی باشند، شرایط بهتری برای رسیدن به اهداف و رفاه شخصی خود خواهند داشت. اقداماتی مانند شاخص فیزیکی کیفیت زندگی<sup>۱</sup> (PQLI) و البته شاخص توسعه انسانی در این سطح هدف قرار دارند. در نهایت دایره سوم در مورد چگونگی توانمند شدن افراد از طریق هنجارها، شبکه‌ها و تعهدات مدنی است که افراد را قادر به اقدامات جمعی و پذیرش اجتماعی می‌نماید. نمونه‌های ویژه عبارتند از اصول عدم تبعیض بر اساس طبقه، قومیت، جنسیت، عدم وجود اختلاف بین گروه‌های اجتماعی و قومی، حصول اطمینان از ارائه کالاهای عمومی و تضمین پاسخگویی در دولت‌های محلی است. جنبه‌های ساختاری توسعه اجتماعی باعث می‌شوند افراد بتوانند دارایی‌های اقتصادی و انسانی خود را (منابع مادی، آموزش و پرورش و مهارت) به رفاه شخصی تبدیل نمایند. برای مثال زندگی فردی در اجتماع ناامن و همراه با درگیری فیزیکی، باعث می‌شود که شروع کسب و کار - با چشم‌پوشی از ابتکارات، مهارت و قابلیت‌ها - تقریباً غیرممکن گردد (Fa0). پیشرفت در نظریه‌ها و تئوری‌های توسعه‌ای می‌تواند میزان موفقیت اجتماعی را افزایش دهد. ظهور چارچوب نظری توسعه اجتماعی، دانش مورد نیاز برای رفع این نارسائی‌ها را تأمین می‌نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره (۱) حوزه‌های توسعه

### مطالعات تجربی

فائو<sup>۱</sup> (بی‌تا) در مطالعه خویش تحت عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی، به طور توصیفی استفاده از تکنیک Matching Percentiles را برای شاخص‌سازی توسعه اجتماعی پیشنهاد می‌نماید.

فائو و تانر<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) به بحث درباره طراحی شاخص‌های مرکب پرداخته و از روش Matching Percentiles به عنوان راه‌حل جمع‌آوری داده‌های نهادهای اجتماعی یاد می‌نماید. به‌طوری که هدف این مطالعه ترکیب مجموعه‌ای از شاخص‌ها و ساخت شاخص توسعه اجتماعی جهت ارائه تصویر جامع از نهادهای اجتماعی در سراسر جهان است.

1- Fao

2- Foa and Tanner

ماتسوی<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) از SDI<sup>۲</sup> نسبت به HDI به عنوان شاخص مناسب برای مقایسه کشورهای در حال توسعه آسیای جنوبی و شرق آسیا یاد می‌کند. ایشان در مطالعه خویش شاخص توسعه اجتماعی را دارای شش بعد عمر طولانی و سالم (امید به زندگی در بدو تولد)، دانش (تحصیلات)، استاندارد مناسبی از زندگی (کودکان کم وزن زیر ۵ سال)، کاهش فقر (مردمان با درآمد روزانه کمتر از ۱ دلار)، برابری (ضریب جینی) و محیط زیست (درصد جمعیت شهری با دسترسی به آب سالم) معرفی می‌نماید. وی ضمن تبدیل ابعاد در نظر گرفته شده به بازه صفر و یک، میانگین ساده‌ای از شش بعد را به عنوان شاخص توسعه اجتماعی لحاظ می‌نماید. ایشان بیان می‌نماید که سیستم توزین قوی در سطح بین‌الملل موجود نمی‌باشد. وی متوسط SDI را برای کشورهای شرق آسیا ۰/۷۵۴ و برای جنوب آسیا ۰/۶۸۲ محاسبه نمود. هم‌چنین وی با مقایسه HDI و SDI کشورهای نام‌برده بیان می‌نماید در دو کشور سریلانکا و ایران، بالا بودن SDI نسبت به HDI حاکی از بالا بودن ظرفیت قابل توجه توسعه‌ای نسبت به شاخص درآمد مربوطه است. به عبارت دیگر وی این تفاوت را ناشی از حذف GDP در ساخت SDI و نیز اضافه کردن شاخص‌های اجتماعی مانند کاهش فقر، برابری و شاخص زیست محیطی می‌داند. طبق بیان وی نتایج حاصله برای SDI به عواملی مانند انتخاب شاخص، تعداد ابعاد، راه جمع‌آوری زیر شاخص‌ها و وزن در نظر گرفته شده بستگی دارد.

کهیل و سانچز<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) در مطالعه خویش به مقایسه سطح توسعه ایالات متحده آمریکا با ۱۹ کشور آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۰ و تعیین وزن هر یک از متغیرها در شاخص مورد نظر، به کمک روش مؤلفه‌های اصلی تحلیل عاملی<sup>۱</sup> می‌پردازد.

---

1- Matsui  
2- Social Development Index  
3- Cahill and Sanchez

میرینگ اف و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) به دنبال پیشرفت اجتماعی ایالات متحده آمریکا، با استفاده از ۱۶ شاخص اجتماعی اعم از فقر کودکان، میزان مرگ و میر نوزادان، روند جرم و جنایت، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، مسکن و ... شاخص بهداشت اجتماعی را به دست آورد. ایشان ترکیب شاخص‌ها را بر اساس شاخص وزنی به دست آورده و پس از آن با استفاده از نتایج نمرات ترکیبی، وضعیت سلامتی جامعه را گزارش نمودند.

صادقی شاهدانی و همکاران (۱۳۹۱) به شاخص‌سازی ترکیبی توسعه انسانی پرداخته و سپس جایگاه ایران را مورد ارزیابی قرار دادند. ایشان توسعه انسانی را شامل ابعاد "اقتصادی-رفاهی"، "اجتماعی-فرهنگی"، "مذهبی-اخلاقی"، "سیاسی-حکمرانی" و "علمی-آموزشی" در نظر گرفته و مبتنی بر روش‌شناسی هفت مرحله‌ای ساخت یک شاخص ترکیبی، شاخص توسعه انسانی را استخراج نمودند. یافته‌های پژوهش ایشان نشان می‌دهد که بعد علمی-آموزشی و مولفه سلامت و بهداشت عمومی از اهمیت و وزن بیشتری در شاخص توسعه برخوردار است.

رضایی اسکندری (۱۳۸۹) در مطالعه خویش شاخص‌های توسعه اجتماعی کشورهای آسیای مرکزی را در دو بخش آموزش و بهداشت در دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۷ با توجه با آمار مربوطه، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. ایشان وضعیت سواد را در این کشورها مناسب ولی وضعیت بهداشت را نسبت به میانگین جهانی پایین‌تر دانسته و بیان می‌نماید که نسبت مرگ و میر کودکان، نوزادان و مادران در این مناطق زیاد است. ایشان امید به زندگی کشورهای منطقه را بین ۶۳-۶۹ درصد متغیر دانسته و اشاره می‌نمایند که قزاقستان از نظر توسعه اجتماعی از اکثر کشورهای منطقه جلوتر است.

موسایی (۱۳۸۸) به مطالعه رابطه بین توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی پرداخت. طبق یافته‌های وی، کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه از لحاظ ارتباط توسعه اقتصادی و اجتماعی دارای تجربه‌های متفاوتی هستند؛ در حالی که در حال حاضر در کشورهای توسعه‌یافته، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی با هم تحقق یافته‌اند؛ ولی در برهه‌ای از زمان، تکیه صرف بر توسعه اقتصادی به معنای خاص آن (رشد اقتصادی) باعث بهبود شاخص‌های توسعه اجتماعی نشد و این وضعیت در اغلب کشورهای در حال توسعه نیز مصداق دارد.

باصری و فرهادی‌کیا (۱۳۸۷) در مطالعه خویش شاخص توسعه انسانی در استان زنجان و اجزای تشکیل‌دهنده آن محاسبه و ارزیابی نمود. ایشان این شاخص را با میانگین‌گیری ساده از سه جزء شامل شاخص آموزش، امیدبه‌زندگی و شاخص درآمدی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۳ برای استان زنجان محاسبه نمودند.

همان‌گونه که بیان گردید، توسعه اجتماعی جز مباحثی به شمار می‌رود که از لحاظ نوع شاخص‌های به‌کار رفته و نحوه شاخص‌سازی نیازمند بحث و بررسی ویژه‌ای بوده و کمی مطالعات داخلی در این زمینه کاملاً مشهود می‌باشد. لذا از آنجایی که در اکثر مطالعات - به ویژه مطالعات داخلی - بیشتر به مقوله توسعه انسانی پرداخته شده است، بنابراین هدف مطالعه حاضر، طراحی و محاسبه شاخصی برای توسعه اجتماعی کشورهای منتخب اسلامی می‌باشد تا بر اساس آن بتوان میزان توسعه‌یافتگی این کشورها را با همدیگر مقایسه نمود.

### معرفی و آماده‌سازی داده‌ها

با توجه به این که آمار مربوط به شاخص‌های توسعه اجتماعی به‌صورت مستقیم وجود ندارد لذا با توجه به تعاریف این شاخص و نیز مطالعات صورت گرفته در این زمینه، لازم است تا آمارهای مورد نظر با استفاده از متغیرهای اولیه و آمارهای خام استخراج گردند. لذا این



بخش ضمن اشاره به شاخص‌های مورد نظر برای توسعه اجتماعی، به نحوه محاسبه و استخراج شاخص توسعه اجتماعی می‌پردازد. در این مطالعه برای محاسبه شاخص توسعه اجتماعی از شاخص‌های زیر استفاده می‌شود:

درصد کودکان ۱۲-۲۳ ماهه که علیه بیماری‌های دیفتری، سیاه‌سرفه و کزاز واکسیناسیون می‌کنند- امید به زندگی در بدو تولد - متوسط سال‌های تحصیل - نرخ مرگ و میر (به ازای ۱۰۰۰ تولد زنده) - میزان ثبت‌نام در مدارس در دوره عالی- نسبت دانش‌آموز به معلم در دوره ابتدایی و نرخ مشارکت نیروی کار زن (% جمعیت زنان بالای ۱۵ سال).

لازم به ذکر است که از بین شاخص‌های متعدد موجود در مورد بهداشت، آموزش، برابری جنسیتی و نیز سایر شاخص‌های توسعه اجتماعی، به‌علت محدودیت وجود مشاهدات، توجه خود را معطوف به شاخص‌هایی نموده‌ایم که در مورد آن‌ها داده‌های کافی وجود داشته است. در این تحقیق روش جمع‌آوری آمار و اطلاعات کشورهای منتخب اسلامی<sup>۱</sup> در بازه زمانی ۲۰۰۹-۱۹۶۰ روش کتابخانه‌ای است؛ به طوری که برای محاسبه شاخص توسعه اجتماعی از متوسط سال‌های تحصیل بارو و لی<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) و برای سایر داده‌های این شاخص از سایت بانک جهانی WDI<sup>۳</sup> استفاده شده است.

### استخراج شاخص توسعه اجتماعی

حوزه اندازه‌گیری توسعه جزء موضوعاتی است که همواره مورد بحث و مجادله قرار می‌گیرد. در این راستا ما با مسئله انتخاب یک شاخص توسعه از بین چندین شاخص که به‌عنوان

۱- لیست کشورهای اسلامی منتخب در جدول ۴ درج شده است. لازم به ذکر است با توجه به این که ایران همانند اغلب کشورهای اسلامی، جزو کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شوند و ابعاد فکری و اقتصادی تقریباً مشابهی دارند، بنابراین مطالعه حاضر با انتخاب کشورهای اسلامی، سعی در شناسایی وضعیت توسعه‌ای ایران در بین کشورهای اسلامی دارد.

2- Barro and Lee

3- World Development Indicators

متغیر وابسته در مدل شناخته می‌شود، مواجهیم. برای نمونه شاخص‌های توسعه جهانی (World Bank, 2008)، شامل بیش از ۲۰۰ متغیر می‌باشد که جنبه‌های گوناگون اجتماعی و توسعه انسانی را در نظر می‌گیرد. در چارچوب اهداف توسعه هزاره (IAEG, 2008)، ۶۰ شاخص که هر کدام می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای توسعه ملل باشد، در نظر گرفته شده است. UNDP (۱۹۹۰) شاخص توسعه انسانی را متوسط ۵ شاخص که نشان‌دهنده سلامتی جامعه، آموزش و استاندارد زندگی می‌باشد، معرفی می‌نماید.

تا سال ۱۹۷۰، GDP سرانه به‌عنوان معیار توسعه و رفاه در نظر گرفته می‌شد. اما چند دهه پیش شواهد حاکی از آن بودند که این معیار برای اندازه‌گیری توسعه انسان- به خصوص به دلیل اطلاعات ناکافی در مورد توزیع درآمد- ناکافی است. در نتیجه در دهه ۱۹۷۰ توجه بیشتری به متغیرهای اجتماعی- اقتصادی معطوف شد.

همان‌گونه که فائو و تانر<sup>۱</sup> اشاره می‌نمایند، اولین موردی که در طراحی یک شاخص ترکیبی بایستی انجام گیرد، تصمیم‌گیری در مورد انتخاب متغیرها است. به‌طوری که بایستی تصمیم‌گیری نماید که طیف محدودی از متغیرها انتخاب شود (مانند شاخص توسعه انسانی) و یا از شاخص‌های متعددی استفاده شود (مانند کافمن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). دومین بحث درباره تخصیص وزن به شاخص به‌منظور تولید شاخص نهایی است. تعیین وزن برای شاخص‌ها به‌منظور کنترل اختلاف بین متغیرها نیز به شیوه‌های مختلف انجام می‌گیرد. دادن وزن مساوی (یا به‌عبارت دیگر محاسبه شاخص ترکیبی بدون دادن وزن به متغیرها) یکی از شیوه‌های عمومی است که برای حل مشکل وزن، پیشنهاد شده است. بدون این‌که توافق عمومی آکادمیکی در این زمینه وجود داشته باشد، اختصاص وزن برابر به کلیه

---

1- Foa and Tanner

2- Kaufmann et al.

متغیرها زمانی که دلیلی برای استفاده از راه‌های دیگر وجود نداشته باشد راه‌حل قابل قبولی تلقی گردیده است (کلاتری، ۱۳۸۰).

برای حل مسئله وزن‌دهی در بین شاخص‌های ترکیبی، چهار راه‌حل قابل طرح است: استفاده از اوزان مساوی (شاخص دولت الکترونیک، دولت‌های شکست خورده<sup>۱</sup>)، وزن طبقه‌بندی<sup>۲</sup> (HDI)، اندازه‌گیری توانمندی جنسیتی، شاخص فضای کسب و کار، شاخص پایداری زیست محیطی، شاخص آزادی اقتصادی، وزن قیاسی<sup>۳</sup> (شاخص کیفیت زندگی) و اوزان متغیر (شاخص‌های حکومتی، شاخص ادراک فساد). بنابراین دامنه وسیعی از روش‌های آماری به منظور تعیین مناسب وزن توسعه داده شده است. تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)<sup>۴</sup> نمونه‌ای از این روش‌ها است.

با توجه به مطالعات صورت گرفته در زمینه شاخص‌سازی توسعه اجتماعی، شاخص‌های متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، بانرجی<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) از شش بعد مهم توسعه اجتماعی شامل: جمعیت‌شناختی، شاخص‌های بهداشتی، شاخص پیشرفت تحصیلی، شاخص دسترسی به امکانات اولیه، شاخص محرومیت اجتماعی و شاخص محرومیت اقتصادی که هر کدام از عوامل یاد شده دارای چندین پارامتر هستند، در ساخت این شاخص استفاده نموده است.

با توجه به مطالعات صورت گرفته در این زمینه مانند مطالعه کارمیگنانی و آوم<sup>۶</sup> (۲۰۱۰)، از بین شاخص‌های متعدد برای شاخص‌سازی توسعه اجتماعی، با توجه به داده‌ها و آمار موجود برای کشورهای مورد بررسی، تنها هفت پارامتر در نظر گرفته شد. بنابراین در این

---

1- Failed States Index  
2- Categorized weights  
3- Schematic weights  
4- Principle Components Analysis  
5- Banerjee  
6- Carmignani & Avom

تحقیق بهداشت توسط شاخص‌های "درصد کودکان ۲۳-۱۲ ماهه که علیه بیماری‌های دیفتیری، سیاه‌سرفه و کزاز واکسیناسیون می‌شوند"، "امید به زندگی در بدو تولد" و "نرخ مرگ و میر (به ازای ۱۰۰۰ تولد زنده)" اندازه‌گیری می‌شود. برای اندازه‌گیری تحصیلات از "متوسط سال‌های تحصیل"، "نرخ ثبت نام در آموزش عالی" و "نسبت دانش‌آموز به معلم در دوره ابتدایی" استفاده می‌شود. همچنین برای ساختن شاخص توسعه اجتماعی از "نرخ مشارکت نیروی کار زن (% جمعیت زنان بالای ۱۵ سال)" استفاده می‌شود؛ چرا که مطابق نظر محققان زنان از حقوق خاص خود برخوردارند و یکی از مؤلفه‌های این حقوق، حق کار است. از آنجا که زنان بخش قابل توجهی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، لذا مشارکت نیروی کار زنان می‌تواند نشان‌دهنده میزان موفقیت جامعه مورد نظر در عرصه کار و اشتغال بخشی از نیروی کار بالقوه خود باشد. به بیان دیگر تبعیض جنسیتی، به‌طور گسترده‌ای در زمینه‌های اقتصاد کار، جامعه‌شناسی و اثرات رفاهی مطرح می‌شود. برابری جنسیتی دلالت بر بهبود نتایج اقتصادی و کارایی تخصیص دارد (Morrison and et al, 2007)، به نقل از Foa and Tanner). به طوری که شواهد تجربی نشان می‌دهد که تأثیرگذاری سطح آموزشی زنان بر نتایج توسعه‌ای، به مراتب بالاتر از پیشرفت‌های مشابه در سطح تحصیلات مردان است (Schultz, 2002).

روشی که در مطالعه حاضر جهت ایجاد شاخص توسعه اجتماعی استفاده می‌گردد، روش در نظر گرفته شده توسط کهیل و سانچز<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) و بانرجی<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) است. کهیل و سانچز از این روش برای ساختن شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی و اقتصادی (ESDI)<sup>۳</sup> برای ۱۹ کشور آمریکای لاتین و ایالات متحده بهره گرفته‌اند.

---

1- Cahill & Sanchez

2- Banerjee

3- Economic and Social Development Index

بعد از انتخاب متغیرها، دو موضوع در مورد ساخت شاخص مدنظر قرار می‌گیرد. اولین مشکل، تبدیل متغیرهای اساسی به مقیاس‌های سازگار است تا ترکیب حاصله به‌عنوان یک شاخص نهایی در نظر گرفته شود. به‌عبارت دیگر، در صورتی که بخواهیم در یک تحلیل چندمتغیره، با استفاده از چندین شاخص به سطح توسعه دست یابیم، بایستی به رفع اختلاف مقیاس مبادرت نماییم. بنابراین بایستی شاخص‌ها را به واحد یکسانی تبدیل کرد تا امکان جمع کردن آن‌ها فراهم گردد. برای انجام این کار روش‌های متفاوتی وجود دارد که می‌توان به روش رتبه‌ای، روش استاندارد کردن، تقسیم بر انحراف معیار، روش ضریب محرومیت، روش تقسیم بر میانگین و روش تقسیم بر عدد ثابت اشاره کرد (کلانتری، ۱۳۸۰). برای این منظور در مطالعه حاضر متغیرها به صورت استاندارد (Z) تبدیل شده‌اند. به عبارت دیگر، انحراف از میانگین مشاهدات مربوط به هر کشور بر انحراف معیار مشاهدات تقسیم می‌شود (رابطه ۱-۳).

$$Z_{it} = \frac{X_{it} - \bar{X}_i}{Se(X_i)} \quad i = \text{کشور } i \text{ ام} \quad t = \text{دوره } t \text{ ام} \quad (1)$$

از طریق استاندارد کردن، میانگین و انحراف معیار متغیرها به ترتیب صفر و یک شده و هم‌چنین مقیاس اندازه‌گیری متغیرها از بین می‌رود و می‌توانند به راحتی با هم ترکیب شوند. در صورتی که شاخص منفی باشد (در تحقیق حاضر، شاخص‌های نرخ مرگ و میر و نسبت دانش‌آموز به معلم) به دلیل این که شاخص در ارتباط با توسعه است، از طریق معکوس نوشتن بایستی تبدیل به شاخص مثبت شود.<sup>۱</sup> حال برای این که تمام شاخص‌ها در دامنه (۱ و ۰) قرار گیرند، از فرمول (۲-۳) استفاده می‌شود. در واقع برای هر کدام از کشورهای نمونه، حداقل نمره هر یک از شاخص‌ها از نمره شاخص (هر کشور) کم شده و عبارت

۱-بالا بودن نرخ مرگ‌ومیر و نیز نسبت دانش‌آموز به معلم به‌ترتیب تأثیر منفی بر شاخص‌های بهداشتی و آموزشی داشته و منجر به کاهش توسعه اجتماعی می‌گردد.

حاصله به دامنه آن شاخص (تفاضل حداقل نمرات شاخص نمونه از حداکثر نمرات)، تقسیم می‌گردد. به عبارت دیگر با توجه به نمره خام شاخص (X) برای کشور I ام و شاخص J ام، نمره شاخص تعدیل شده به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$X_{i,j}^{adj} = \left[ \frac{X_{i,j} - \min(X_j)}{\max(X_j) - \min(X_j)} \right] \quad (2)$$

بعد از اتمام محاسبات شرح داده شده در مورد تمام شاخص‌ها، از میانگین حسابی آن‌ها به عنوان معیاری برای توسعه اجتماعی (که تلفیقی از تمام شاخص‌ها است و عددی مابین صفر و یک است) استفاده می‌شود.

### تحلیل توصیفی روند توسعه اجتماعی در ایران و چند کشور اسلامی منتخب

در این بخش از مطالعه، ابتدا به بررسی کلی روند توسعه اجتماعی ایران طی برنامه‌های توسعه پرداخته و سپس شاخص توسعه اجتماعی در کشورهای اسلامی منتخب استخراج و ارزیابی می‌گردد.

کشور ما در زمره کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط پایین تلقی می‌شود و این در حالی است که کشور از درآمد سرشار نفت برخوردار است. اما در یک ارزیابی کلی که پنج برنامه توسعه قبل از انقلاب و چهار برنامه توسعه بعد از انقلاب طراحی و کم و بیش اجرا شدند، با همه این تلاش‌ها، دستیابی به توسعه به ثمر نرسید. یک دیدگاه علت آن را غفلت از سایر وجوه توسعه از جمله وجوه اجتماعی و فرهنگی می‌داند (موسایی، ۱۳۸۸). در واقع در کشور علی‌رغم داشتن منابع طبیعی غنی و درآمدهای سرشار ناشی از نفت و گاز، رشد قابل توجهی در برهه‌هایی از تاریخ داشته‌ایم ولی به علت عدم توجه به توسعه اجتماعی، رشد مذکور در بلند مدت تداوم نیافته است که این مطلب نمایان‌گر میزان اهمیت توسعه اجتماعی

می‌باشد. شاخص توسعه اجتماعی کشور، از سال ۱۳۵۷ که مصادف با انقلاب اسلامی بود تا سال ۱۳۶۳ که کشور در بحبوحه جنگ تحمیلی با عراق بود، روند نزولی طی نمود چرا که بعد از انقلاب، هشت سال جنگ ایران و عراق، امکان اجرای برنامه‌های توسعه کشور را از بین برد؛ زیرا در شرایطی که موجودیت و حاکمیت ملی ایران از سوی کشورهای خارجی تهدید می‌شد و در شرایط تحریم‌های علیه ایران که از سوی کشورهای غربی و توسعه یافته اعمال می‌شد، تلاش و همت ایرانی‌ها مصروف اداره جنگ و تأمین حداقل شرایط برای زندگی مردم می‌شد. در واقع چالش‌های توسعه کشور، خرابی‌های ناشی از جنگ ایران و عراق، تحریم‌های علیه ایران، محدودیت‌های کشورهای غربی، رشد سریع جمعیت و بلوکه کردن دارایی‌های ایران در ایالات متحده آمریکا به‌شمار می‌رفتند. اما پس از آن با آغاز برنامه اول و دوم توسعه، به دلیل برنامه‌هایی مانند تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی و تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم و تلاش در جهت اجرای عدالت و حمایت از آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی و نیز تربیت نیروی انسانی مورد نیاز که توجه به زمینه‌های آموزشی بود (از برنامه‌های اول و دوم توسعه)، باعث افزایش توسعه اجتماعی در کشور گردید. گرچه میزان توسعه اجتماعی با نوساناتی همراه بود اما با صرف‌نظر کردن از این نوسانات به‌طور کلی شاهد افزایش توسعه اجتماعی در کشور بودیم. این روند افزایشی در طول برنامه سوم توسعه در دوران اصلاحات دوم و نیز برنامه چهارم توسعه در بازه ۱۳۸۴-۱۳۸۰ و ۱۳۸۸-۱۳۸۵ به‌طور چشم‌گیری قابل مشاهده است. گرچه نوسانات این شاخص تا سال ۱۳۵۷ ناچیز بوده اما بعد انقلاب علی‌رغم سیر صعودی، با نوسانات بیشتری همراه بوده است اما بعد از سال ۲۰۰۰ که مقارن با دهه ۸۰ شمسی می‌باشد، شاهد نوسانات کمتری بودیم. این شاخص به‌ترتیب ۰/۶۰۵، ۰/۷۷۴ و ۰/۷۷۳ برای سال‌های ۱۳۷۱، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۲ بوده است. شاخص مذکور در دوران برنامه سوم توسعه از ۰/۷۱ به ۰/۸۶ طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ رسید. این رشد در نتیجه پیشرفت کشور از لحاظ سطح تحصیلات، بهداشت عمومی و بهبود

سطح رفاه جامعه بوده است. در واقع افزایش توسعه اجتماعی را می‌توان در روند فزاینده شاخص‌هایی مانند امید به زندگی در بدو تولد، متوسط سال‌های تحصیل و سایر شاخص‌ها جستجو نمود. ارقام مربوط به توسعه اجتماعی ایران در جدول شماره ۱ درج گردیده است.

علی‌رغم این که بسیاری از شاخص‌های توسعه در ایران سیر صعودی یافته است، اما نسبت به کشورهای دیگر از جمله کشورهای هم‌ردیف خود در گذشته از نظر برنامه‌ریزی، مانند مالزی، از درجه توسعه‌یافتگی کمتری برخوردار است. این کشورها که چه از لحاظ داشتن نیروی انسانی ماهر و چه از لحاظ امکانات و منابع از ایران پایین‌تر بودند، اینک گوی سبقت را در توسعه‌یافتگی از ایران ربوده‌اند. به طوری که متوسط توسعه اجتماعی ایران طی دوره مورد بررسی، ۰/۳۹ بوده و از لحاظ توسعه اجتماعی نیز از بسیاری کشورها مانند مالزی، پاکستان، اندونزی و سوریه عملکرد ضعیف‌تری دارد.

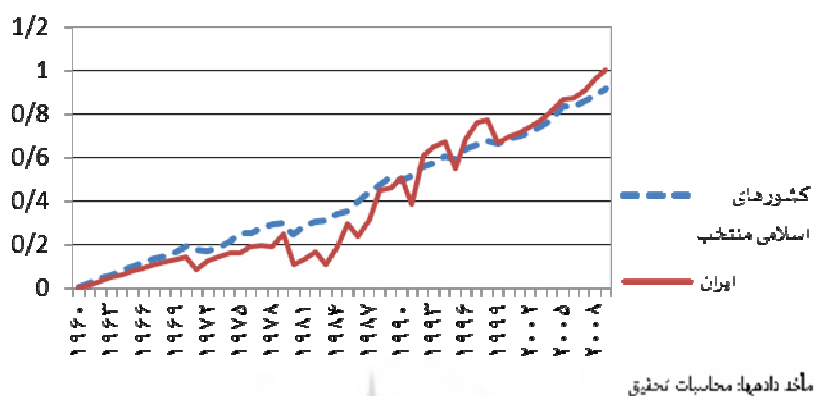
جدول شماره ۱ روند توسعه اجتماعی ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه<sup>۱</sup>

سال	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
شاخص توسعه اجتماعی	۰/۴۶۰	۰/۵۰۶	۰/۳۸۱	۰/۶۰۶	۰/۶۴۹	۰/۶۷۰	۰/۵۴۷	۰/۶۸۱	۰/۷۶۱	۰/۷۷۴
سال	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
شاخص توسعه اجتماعی	۰/۶۶۸	۰/۶۹۶	۰/۷۱۳	۰/۷۴۲	۰/۷۷۳	۰/۸۱۴	۰/۸۶۴	۰/۸۶۹	۰/۹۰۷	۰/۹۵۸

منبع: محاسبات تحقیق

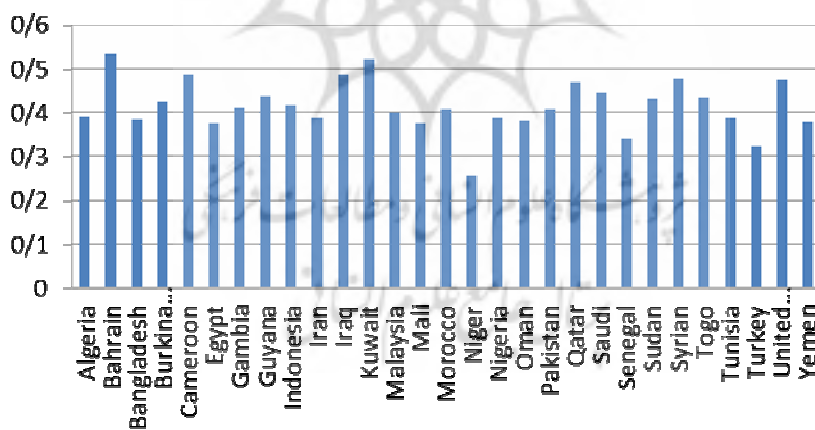
۱- برنامه اول توسعه مربوط به سال‌های ۷۲-۱۳۶۸ شمسی مقارن با ۱۹۹۳-۱۹۸۹ به دوران سازندگی معروف است. برنامه دوم توسعه مربوط به سال‌های ۷۸-۱۳۷۴ شمسی (۱۹۹۹-۱۹۹۴ میلادی). برنامه سوم توسعه تحت عنوان دوران اصلاحات دوم مربوط به سال‌های ۸۳-۱۳۷۹ شمسی (۲۰۰۴-۲۰۰۰ میلادی) و دوره چهارم توسعه تحت عنوان دوره اصولگرایی سال‌های ۸۸-۱۳۸۴ شمسی (۲۰۰۹-۲۰۰۵ میلادی) را دربر می‌گیرد.





نمودار شماره ۱ مقایسه روند توسعه اجتماعی ایران با کشورهای اسلامی منتخب طی سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۰۹

در نمودار ذیل، متوسط توسعه اجتماعی هر یک از کشورهای اسلامی مورد بررسی به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۲ متوسط توسعه اجتماعی هر یک از کشورهای مورد بررسی در بازه زمانی ۱۹۶۰-۲۰۰۹

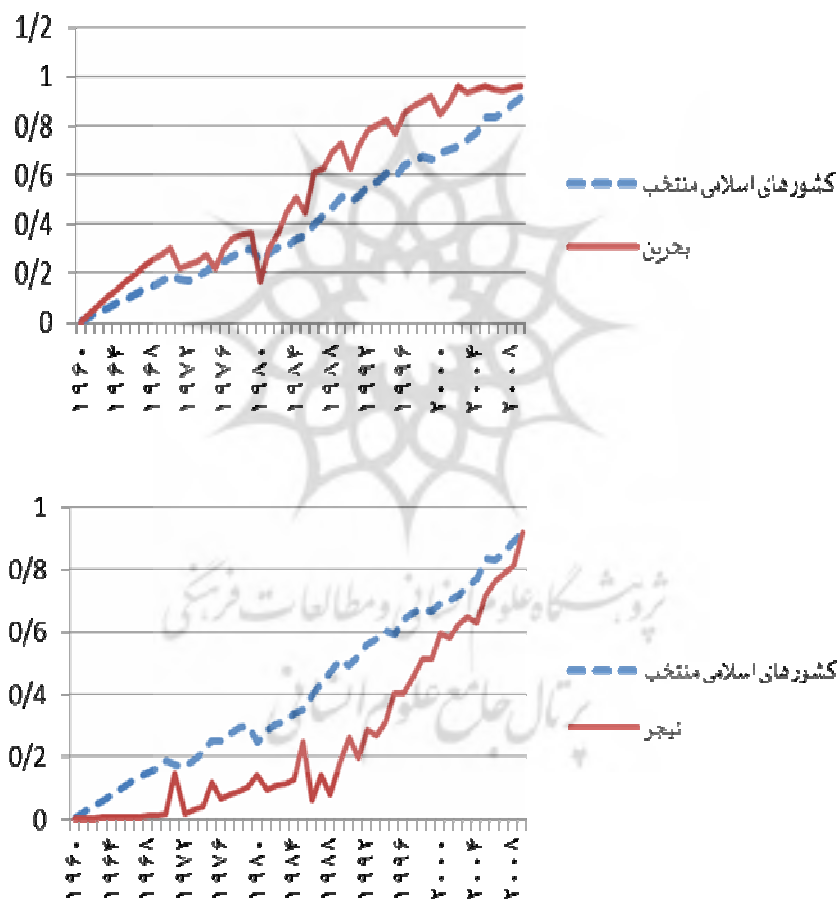
در بررسی متوسط توسعه اجتماعی کشورهای اسلامی منتخب در بازه ۲۰۰۹-۱۹۶۰ مشاهده می‌شود که کشورهای بحرین، کویت، عراق، کامرون، سوریه، امارات، قطر و عربستان به ترتیب دارای بالاترین توسعه اجتماعی در طول ۵۰ سال می‌باشند و در طرف مقابل نیجر، ترکیه، سنگال، مصر و یمن دارای توسعه اجتماعی پایینی هستند. روند توسعه‌ای بحرین به عنوان کشوری که بالاترین سطح توسعه اجتماعی را در طول ۵۰ سال داشته و همچنین دو کشور نیجر و ترکیه به عنوان کشورهایی با کم‌ترین سطح توسعه‌ای در نمودارهای زیر نشان داده شده است. لازم به ذکر است اگر چه کشور نیجر در طول ۵۰ سال دوره مطالعه پایین‌ترین سطح توسعه اجتماعی را در بین کشورهای اسلامی مورد بررسی داشته، ولی این کشور توانسته است شاخص‌های توسعه‌ای خود را بعد از سال ۱۹۹۰ بهبود بخشد. به طوری که سیر صعودی روند توسعه اجتماعی این کشور در سال‌های اخیر گویای این مطلب است. همچنین در مورد کشور ترکیه بایستی عنوان نمود که این کشور روند افزایشی توسعه خویش را از دهه‌های اخیر شروع نموده است و این امر باعث کاهش متوسط توسعه اجتماعی کشور ترکیه شده است. به طوری که این کشور در سال ۲۰۱۲ از جمله کشورهایی است که از لحاظ توسعه انسانی (HDI)، جزء کشورهایی با توسعه انسانی بالا<sup>۱</sup> محسوب می‌شود. در مقایسه بین HDI و SDI بایستی خاطر نشان نمود که امروزه در بین کشورهای منتخب اسلامی، نیجر، بورکینافاسو، مالی، سودان، گامبیا، یمن، توگو، نیجریه، سنگال، کامرون، پاکستان و بنگلادش دارای توسعه انسانی در سطح پایین<sup>۲</sup> هستند.

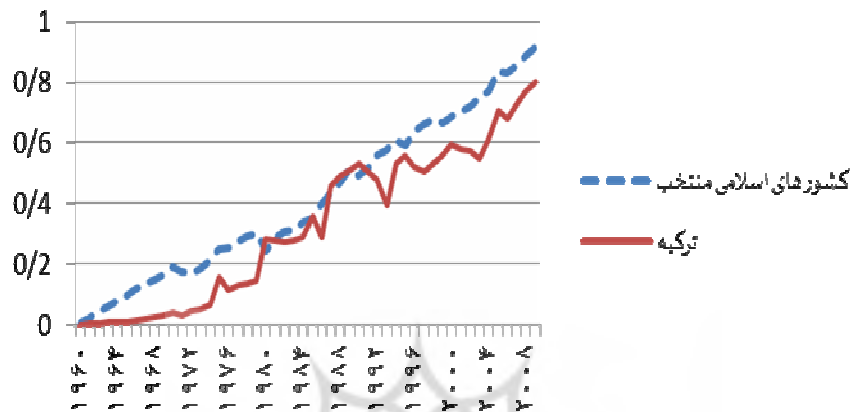
در مقابل کشورهایی مانند قطر و امارات در رده کشورهایی با توسعه انسانی بسیار بالا قرار داشته و پس از آن بحرین، کویت، عربستان، مالزی، ایران، عمان، ترکیه و الجزایر به ترتیب بالاترین میزان HDI را در سال ۲۰۱۲ به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است

1- High Human Development

2- Low Human Development

که مطابق با گزارش توسعه انسانی سازمان ملل (UNDP)، ایران با در اختیار داشتن نمره ۰/۷۴۲ در سال ۲۰۱۲ در رتبه ۷۶ جهانی از لحاظ توسعه انسانی قرار داشته و در زمره کشورهایی با توسعه انسانی بالا جای دارد که حکایت از ارتقای شاخص‌های توسعه‌ای بالاخص در زمینه‌های آموزش و بهداشت در سال‌های اخیر دارد.





نمودار ۳ مقایسه روند توسعه اجتماعی کشورهای بحرین، نیجر و ترکیه با کشورهای اسلامی منتخب در طول سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۰۹؛ مأخذ داده‌ها: یافته‌های تحقیق

مقایسه SDI محاسبه شده در تحقیق و HDI محاسبه شده توسط UNDP بیانگر این واقعیت است که کشورهایی که از لحاظ HDI در رده بالایی قرار گرفتند، از لحاظ SDI نیز رتبه بالایی را به خود اختصاص داده‌اند. اما تفاوت‌های موجود در این دو زمینه، ممکن است نشأت گرفته از عدم لحاظ نمودن درآمد و نیز تفاوت در شاخص‌های در نظر گرفته شده برای ایجاد توسعه انسانی و توسعه اجتماعی باشد. در جدول زیر نمره SDI و HDI مربوط به کشورهای منتخب درج گردیده است.

جدول شماره ۲ مقایسه ارزش HDI و SDI کشورهای منتخب اسلامی آسیایی

کشور	متوسط ارزش SDI					ارزش HDI در سال ۲۰۰۹
	۱۹۹۰-۱۹۸۵	۱۹۹۵-۱۹۹۰	۲۰۰۰-۱۹۹۵	۲۰۰۵-۲۰۰۰	۲۰۰۹-۲۰۰۵	HDI
بحرین	۰/۶۱۹	۰/۷۵۳	۰/۸۶۳	۰/۹۱۵	۰/۹۵۱	۰/۸۰۵
بنگلادش	۰/۳۸۵	۰/۶۱۲	۰/۵۷۸	۰/۶۱۹	۰/۸۱۵	۰/۴۹۱
پاکستان	۰/۳۹	۰/۵۰۱	۰/۵۹۴	۰/۷۰۲	۰/۸۳۸	۰/۴۹۹
اندونزی	۰/۵۱	۰/۵۸۳	۰/۷۲۲	۰/۷۴۸	۰/۸۹۴	۰/۶۰۷
ایران	۰/۳۵۱	۰/۵۶۲	۰/۶۸۶	۰/۷۴۷	۰/۹۲	۰/۷۰۳
قطر	۰/۵۷	۰/۶۹۹	۰/۷۴۸	۰/۷۲۳	۰/۸۳۶	۰/۸۱۸
عراق	۰/۵۸۴	۰/۶۷۶	۰/۷۶۱	۰/۷۹۲	۰/۸۵۲	۰/۵۶۵
کویت	۰/۶۳۵	۰/۶۶۷	۰/۸۵	۰/۸۷	۰/۹۴۵	۰/۷۵۷
مالزی	۰/۲۹۸	۰/۵۲۸	۰/۶۱۲	۰/۷۹۷	۰/۹۱۴	۰/۷۵۲
عمان	۰/۳۷۲	۰/۴۷۲	۰/۵۹۸	۰/۷۲۳	۰/۹۲۴	۰/۷۰۳
عربستان	۰/۵۱۷	۰/۵۸	۰/۷	۰/۸۴۳	۰/۹۵۴	۰/۷۶۳
سوریه	۰/۵۶۳	۰/۷۳۴	۰/۷۹۹	۰/۷۶۸	۰/۸۸۴	۰/۶۳
ترکیه	۰/۴۱۹	۰/۴۸۷	۰/۵۳۴	۰/۵۷۸	۰/۷۳۵	۰/۶۹
امارات	۰/۴۷۷	۰/۵۷۷	۰/۷۳۶	۰/۸۵۷	۰/۹۳۸	۰/۸۴۱
یمن	۰/۳۷۸	۰/۴۶۸	۰/۵۷۴	۰/۷۲۶	۰/۹۲۸	۰/۴۵۲

مأخذ داده‌ها: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۳ مقایسه ارزش HDI و SDI کشورهای منتخب اسلامی آفریقایی

کشور	متوسط ارزش SDI					ارزش HDI در سال ۲۰۰۹
	۱۹۹۰-۱۹۸۵	۱۹۹۵-۱۹۹۰	۲۰۰۰-۱۹۹۵	۲۰۰۵-۲۰۰۰	۲۰۰۹-۲۰۰۵	HDI
الجزایر	۰/۳۷۷	۰/۵۳۴	۰/۶۳۵	۰/۷۲۹	۰/۹۲۲	۰/۶۹۱
بورکینافاسو	۰/۳۸۳	۰/۵۱۹	۰/۵۷۱	۰/۷۳۸	۰/۸۶۵	۰/۳۲۶
کامرون	۰/۵۲۹	۰/۶۳۱	۰/۶۸	۰/۶۴۲	۰/۸۷۸	۰/۴۷۵
مصر	۰/۴۷۹	۰/۵	۰/۶۰۱	۰/۷۱۳	۰/۷۲۲	۰/۶۳۸
گامبیا	۰/۴۸	۰/۵۸	۰/۶۲	۰/۵۰۶	۰/۶۳۲	۰/۴۱۳
گویان	۰/۳۲۶	۰/۵۷۴	۰/۷۴۵	۰/۸۵۳	۰/۹۴۶	۰/۶۲۴
مالی	۰/۴۳۱	۰/۴۶۳	۰/۴۴۲	۰/۵۳۱	۰/۷۶۱	۰/۳۵۲
مراکش	۰/۴۵	۰/۶۱۵	۰/۷۴۲	۰/۷۲۹	۰/۸۵۷	۰/۵۷۵
نیجر	۰/۱۴۲	۰/۲۶۴	۰/۴۵۶	۰/۶۱۵	۰/۸	۰/۲۸۵
نیجریه	۰/۳۷۴	۰/۴۱۲	۰/۴۶۶	۰/۶۳۲	۰/۸۱	۰/۴۴۹

سنگال	۰/۳۲۳	۰/۳۸۵	۰/۴۸۶	۰/۵۷۲	۰/۸۸	۰/۴۵۳
سودان	۰/۴۴	۰/۴۹۷	۰/۶۴۹	۰/۷۸۷	۰/۸۲۷	۰/۴۰۳
توگو	۰/۴۳۲	۰/۵۲۸	۰/۶۰۳	۰/۷۹۵	۰/۹۰۴	۰/۴۲۹
تونس	۰/۳۵۳	۰/۵۲۵	۰/۶۵۷	۰/۷۷۷	۰/۹۴۵	۰/۶۹۲

مأخذ داده‌ها: یافته‌های تحقیق

هم‌چنین نتایج حاصل از ایجاد شاخص توسعه اجتماعی برای کشورهای منتخب اسلامی در جدول شماره ۴ درج گردیده است. مطابق جدول مذکور، میانگین شاخص توسعه اجتماعی در بین کشورهای اسلامی ۰/۴۱۴ می‌باشد. کشور نیجر با مقدار شاخص توسعه ۰/۲۵۴ محروم‌ترین کشور اسلامی و کشور بحرین توسعه‌یافته‌ترین کشور اسلامی به‌شمار می‌روند. این در حالی است که ایران با میانگین توسعه اجتماعی ۰/۳۹، بیستمین کشور در بین کشورهای منتخب مورد مطالعه از لحاظ توسعه‌یافتگی اجتماعی در طول دوره مورد بررسی بوده است.

جدول شماره ۴ متوسط توسعه اجتماعی کشورهای منتخب اسلامی در بازه زمانی ۲۰۰۹-۱۹۶۰

الجزیره	۰/۳۹۱	مصر	۰/۳۸۷	عراق	۰/۴۸۷
بحرین	۰/۵۳۲	گامبیا	۰/۴۱۱	کویت	۰/۵۲۱
بنگلادش	۰/۳۸۴	گویان	۰/۴۳۶	مالزی	۰/۳۹۹
بورکینافاسو	۰/۴۲۶	اندونزی	۰/۴۱۷	مالی	۰/۳۷۵
کامرون	۰/۴۸۷	ایران	۰/۳۸۷	مراکش	۰/۴۰۶
نیجر	۰/۲۵۴	نیجریه	۰/۳۸۷	عمان	۰/۳۸۲
پاکستان	۰/۴۰۶	قطر	۰/۴۶۸	عربستان	۰/۴۴۵
سنگال	۰/۳۴۱	سودان	۰/۴۳۱	سوریه	۰/۴۷۷
توگو	۰/۴۳۳	تونس	۰/۳۸۶	ترکیه	۰/۳۲۳
امارات	۰/۴۷۴	یمن	۰/۳۷۹		

مأخذ داده‌ها: یافته‌های تحقیق

### جمع‌بندی

یکی از مفاهیم و پدیده‌هایی که در دهه اخیر در ادبیات علوم اجتماعی و نیز جهان اجتماعی معاصر، جای خود را به‌خوبی باز کرده است، توسعه اجتماعی می‌باشد. در این راستا چنانچه ساختار جامعه با تحولاتی که رخ داده است، خود را منطبق نسازد، بحرانی شدن شرایط جامعه امری قطعی است. از این رو توسعه ضرورتی قطعی به حساب می‌آید؛ به‌گونه‌ای که غفلت از آن، جامعه را به پرداخت هزینه‌ای بس سنگین وادار می‌سازد. زیرا دگرگونی‌های مثبت جامعه در سطوح مختلف، چنانچه زمینه مشارکت اجتماعی به معنای فنی و تخصصی آن را بین آحاد مردم فراهم نیآورد و امکان دخالت یکایک اعضای جامعه در سرنوشت خویش به واقعیت زندگی بدل نشود، قطعی گردیدن جامعه امری حتمی است که دیر یا زود رخ می‌دهد. از این رو عدالت اجتماعی، رفع تبعیض، پذیرش حقوق اقلیت‌ها، ارضای نیازهای گروه‌های اجتماعی مختلف، دستیابی جمعیت فعال به شغلی آبرومندانه، دستیابی یکایک افراد جامعه به زندگی قابل قبول، ضرورت‌های بدون جایگزین جامعه‌اند. به عبارت دیگر جوامع نیازمند پذیرش حقوق افراد در دستیابی به شغل خلاق، بهره‌مندی یکایک افراد یا اعضای جامعه از امکانات جوامع، پایان بخشیدن به نابرابری‌های مادی، برابری فرصت‌ها، دسترسی به آموزش و پرورش در سطوح مختلف، دسترسی به امکانات بهداشتی، ممنوعیت تبعیض جنسیتی علیه زنان در تمامی زمینه‌ها و سطوح می‌باشند. تعیین شاخص‌های توسعه در هر زمینه، نیاز به اطلاعات ویژه‌ای دارد که نبود آن‌ها مشکلاتی را در زمینه سنجش ابعاد مختلف توسعه اجتماعی پدید می‌آورد. در نتیجه به علت فقدان اطلاعات لازم در برخی از جنبه‌ها، به خصوص بعد عدالت اجتماعی، اغلب محققان از شاخص‌هایی مانند آموزش، بهداشت، تغذیه، حمل و نقل و ارتباطات و غیره استفاده می‌کنند و این راهی است که محققان علوم اجتماعی از طریق آن به بررسی فرآیند توسعه اجتماعی می‌پردازند. در این

مطالعه متغیر توسعه اجتماعی توسط شاخص‌های: درصد کودکان ۲۳-۱۲ ماهه که علیه بیماری‌های دیفتی، سیاه‌سرفه و کزاز واکسیناسیون می‌کنند- امید به زندگی در بدو تولد - متوسط سال‌های تحصیل - نرخ مرگ و میر (به ازای ۱۰۰۰ تولد زنده) - میزان ثبت‌نام در مدارس در دوره عالی - نسبت دانش‌آموز به معلم در دوره ابتدایی و نرخ مشارکت نیروی کار زن (% جمعیت زنان بالای ۱۵ سال) محاسبه و ارزش توسعه اجتماعی کشورهای منتخب اسلامی در قالب جدولی تنظیم گردید. به طوری که از شاخص بدست آمده برای برجسته نمودن مناطقی که پیشرفت اجتماعی دارند، مقایسه شرایط کنونی با گذشته، شناسایی مناطقی که نیاز به بهبود دارند، مقایسه شرایط هر کشور با کشورهای دیگر می‌توان بهره گرفت. براساس نتایج حاصله، متوسط توسعه اجتماعی ایران طی دوره مورد بررسی ۰/۳۹ بوده و از بسیاری کشورها مانند مالزی، پاکستان، اندونزی و سوریه عملکرد ضعیف‌تری دارد. همچنین مطابق محاسبات صورت گرفته میانگین شاخص توسعه اجتماعی در بین کشورهای اسلامی ۰/۴۱ است. به طوری که نیجر محروم‌ترین و بحرین توسعه‌یافته‌ترین کشور اسلامی به‌شمار می‌روند.

با توجه به اهمیت بحث توسعه اجتماعی پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی از میانگین وزنی برای شاخص‌سازی توسعه اجتماعی استفاده شده و نیز از سایر پارامترها برای شاخص‌سازی بهره‌گیری شود. لذا در مجموع با توجه به مطالب ارائه شده، دولت‌ها می‌بایست فعالیت و سرمایه‌گذاری‌های خود را در زمینه‌هایی مانند آموزش، بهداشت، حمل و نقل و ارتباطات تسریع بخشند. جهت نیل به اهداف بهتر، دولت بایستی به‌عنوان مثال در بخش آموزش و پرورش، به ساخت مدارس در مناطق روستایی و جذب معلمان بیشتر در این مناطق اقدام نماید. به‌منظور افزایش نیروی کار تحصیل‌کرده، بایستی خروجی آموزشی مطابق با ساختار تولید اقتصاد و تقاضای نیروی کار موثر باشد. از طرف دیگر، توجه به



بهداشت عمومی و روستایی، مراقبت‌های بهداشتی-درمانی برای کارگران، تأکید و توجه به مسئله کارایی و تخصیص متعادل منابع بین خدمات مختلف بهداشتی-درمانی، توجه به بیمه‌های درمانی اجتماعی و طرح بیمه‌های همگانی و بیمه روستایی از عوامل افزایش کارایی و موفقیت سیستم‌های بهداشتی-درمانی بوده و به عنوان راه‌حلی مناسب برای ارتقای سطح توسعه جوامع مطرح می‌شود.



## منابع

- باصری، بیژن و علی‌رضا فرهادی‌کیا (۱۳۸۷) تحلیل عوامل موثر بر شاخص توسعه انسانی در استان زنجان، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۴۷، صص ۲۳-۵.
- رضایی اسکندری، داود (۱۳۷۹) *توسعه اجتماعی کشورهای آسیای مرکزی؛ یک مقایسه آماری*، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، شماره ۶، صص ۴۰-۱۹.
- صادقی شاهدانی، مهدی، زاهدی وفا، محمدهادی و مهدی قائمی اصل (۱۳۹۱) شاخص‌سازی ترکیبی توسعه انسانی مبتنی بر آموزه‌های تمدن اسلامی و به کارگیری آن در ارزیابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال دوم، شماره ۸، صص ۹۵-۱۱۴.
- قانع‌راد، محمدمین (۱۳۸۴) رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۳۴-۱.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰) نقدی بر متدولوژی سنجش سطح توسعه انسانی UNDP، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۶۱، صص ۱۵۳-۱۶۶.
- کلانتری، خلیل (۱۳۷۷) مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۳۲-۱۳۱، صص ۲۰۸-۲۱۳.
- لشکری، محمد (۱۳۸۷) شاخص‌های کمی و کیفی توسعه اجتماعی، *فصلنامه اقتصاد و جامعه*، سال پنجم، شماره ۱۷ و ۱۸، صص ۶۲-۴۹.
- موسایی، میثم (۱۳۸۸) رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی، *راهبرد*، شماره ۲۰، صص ۹۷-۱۱۷.
- Bannerjee, K., Social development index (2010) in India: *Social Development Report, 2010: The Land Question and the Marginalized*, ed. Manoranjan, Mohanty, 2011, pp. 259-293, Oxford University Press, New Delhi.

- Borgatta, E. and Montgomery, R.J.V. (2000) *Encyclopedia of sociology*, Volume one, Second Edition, Detroit, San Francisco. London and New York, Macmillan Reference USA.
- Bourguignon, F. (2003) The growth elasticity of poverty reduction: explaining heterogeneity across countries and time periods. In: Eicher, T., Turnovsky, S. (Eds.), *Inequality and Growth. Theory and Policy Implications*. The MIT Press, Chicago.
- Cahill, M. and Sanchez, N., (2001) Using principal components to produce an economic and social development index: An application to Latin America and the U.S., *Atlantic Economic*, 29 (3), pp. 311-329.
- Carmignani, F and Avom, D., (2010) The social development effects of primary commodity export dependence, *Ecological Economics*, 70, pp. 317-330.
- Dasgupta, P and Martin, W., (1992) On measuring the quality of life, *World Development*, vol. 20, Issue 1, 1992, pp. 119-131.
- Davis, G., (2004) A History of the social development network in the world bank, 1973-2002, Paper No. 56, *Social Development Family of the World Bank*, Washington, DC.
- Esteves, A.M., (2008) Mining and social development: Refocusing community investment using multi-criteria decision analysis, *Resources Policy*, 33, pp. 39-47.
- Fao, R. (No Date), *Indices of social development*, Handbook, Harvard University, pp. 1-14.
- Foa, R and Tanner, J., (2012) *Methodology of the Indices of Social Development*, Working Paper, pp. 66-1.
- J. Estes, R. (2005), *Global change and indicators of social development*, Handbook of Community Practice, School of Social Policy and Practice.

- Matsui, N. (2004) Social development index as capability proxy: An illustration of South and East Asia, 4th International Conference on the Capability Approach "*Enhancing Human Security*", University of Pavia, Italy.
- Miringoff, M, Miringoff, M-L and Opdyke, S. (1999) *The social health of the nation: How America is really doing*, New York: Oxford University Press.
- Schultz, P., (2002) Why governments should invest more to educate girls, *World Development*, 30(2), , pp. 207-225.
- United Nations Development Programme (UNDP) Human development report 2011 Sustainability and equity: A better future for all, <http://hdr.undp.org>.
- Uno, K. (No Date) Development of human and social development indicators: Human aspiration and sustainability, Social and Cultural Development of Human Resources, Encyclopedia of Life Support Systems (ELOSS).